

میشود که باید بیشتر مواظبت کرد لکن دو نکته باید مراعات شود اول آنکه کسانی که کریم [کریم] می‌کنند باید محرم باشند و اجنبی حرام است چنین کاری را انجام دهد دوم آنکه بینندگان از روی شهوت نظر نکنند روح‌اله موسوی الخمینی».

در این سند، ظاهراً لفظ «مرا» (در صفحه سمت راست به خط نسخ) زائد می‌نماید. به نظر می‌رسد که آیت‌الله نخست در آن سطر «نمایش‌نامه» نوشته و سپس به قیاس «فیلمها» که جمع است به جای افزودن «ها» به «نمایش‌نامه» لفظ «نامه‌ها» را بر بالای «نامه» افزوده است.

به نظر نگارنده این سطور کتاب حاضر نه فقط در مراکز ایران‌شناسی دانشگاه‌های خارجی، بلکه در خود ایران نیز به عنوان متنی درسی مورد استفاده قرار خواهد گرفت و بدین مناسب به مؤلفان محترم که این توفیق را به دست آورده‌اند باید تبریک گفت و از «بیبلیوتکا ایرانیکا» نیز ممنون بود که وسیله چاپ این کتاب را فراهم آورده است.

محمود امیدسالار

Paul Sprachman (editor and translator).
*Suppressed Persian: An Anthology of
 Forbidden Literature.*
 Bibliotheca Iranica (Literature Series No.2)
 Mazda Publishers, 1995. pp. 58+III

«ادبیات نهفته فارسی»
 گزینهای از اشعار ممنوعه

کسانی که با ادبیات فارسی در امریکا آشنایی دارند دکتر اسپراکمن را خوب می‌شناسند. وی صاحب تألیفاتی در باب ادبیات فارسی و به خصوص طنز فارسی است. اسپراکمن به سال ۱۹۸۱ رساله دکتری‌اش را در باب عیید زاکانی در دانشگاه شیکاگو نوشت و در سال ۱۹۸۲ غربزدگی آل احمد را تحت عنوان *Plaqueed By The West* و در سال ۱۹۸۵ یکی بود یکی نبود جمال زاده را با همکاری استاد حشمت مؤید تحت عنوان *Once upon a Time* منتشر کرد. مجموعه حاضر که جنگی است از اشعار هجوآمیز فارسی و ترجمه آنها به انگلیسی، آخرین کتاب اوست.

این مجموعه در دو قسمت است. قسمت اول مقدمه نسبتاً مفصلی است که در آن آراء نویسنده کتاب در مورد هجاء، با مطالعه متون فارسی و عربی، به استناد این گونه آثار، بیان شده است. قسمت دوم برگزیده برخی اشعار هجوآمیز هشت شاعر فارسی زبان است: اولین این شعرا مهستی شاعر قرن ششم هجری است و سپس سنائی غزنوی، انوری،

شمال هفتم

باند که از

نک

در می‌دهد که

سالزبری

۱۳۱۵ آمده

این نبوده

شهرنشینان

طرز تهیه

خواهد بود

اجتناب

امضاء -

ناد شوروی!

یکیت واحد

مد داودخان

بکترین زمینه

نا پایگاه این

ایسی چوجه‌ها

نگاه مادر دور

بنام حزب

رژول رادیو و

ی آهنگهای

چیک اشکال

بزد و همیتطور

طور نادر دیده

سوزنی سمرقندی، مولانا جلال‌الدین رومی، سعدی، عین‌زاکانی، ایرج میرزا، اسپراکمن در آغاز هر فصل و پیش از ذکر اشعار هر شاعر و ترجمه آنها به انگلیسی، مقدمه مفید و کوتاهی در باب زندگی شاعر و شعر او می‌آورد. البته این مقدمه با آن که بسیار مفید و آموزنده است گاه‌گاه از اشتباهات جزئی هم خالی نیست. چنان که برخی از قضاوت‌های فاضل محترم نیز موجب سرگردانی پاره‌ای از طلاب ادب فارسی تواند شد. مثلاً نظامی عروضی را هم‌ردیف انوری و سنائی، و یکی از «شعراى بزرگ اواخر عهد سلجوقی» خواندن به نظر بنده محل اشکال است. زیرا نظامی عروضی اگرچه در نثر و انشاء از سرآمدان فن است، ولی در شاعری چندان استعدادی نداشته است.

ترجمه‌های اسپراکمن از اشعار همه روان و استادانه‌اند. به خصوص از این رو که ترجمه‌ها به شعرند، و ترجمه شعر به شعر کار هر کس نیست. اما انصافاً دکتر اسپراکمن به خوبی از عهده این کار برآمده و از اشعار کلاسیک فارسی ترجمه‌های بسیار خوبی ارائه داده است (مثلاً نگاه کنید به ص ۲۱-۲۲) و یا آیات زیر از «عارفنامه» ایرج میرزا که برای چاپ در ایران‌شناسی مناسب است:

بینهای ۱۲۹ تا ۱۳۹ «عارفنامه»:

پریرو زین سخن بیچه برآشفت	زجا برجست و با تندی به من گفتم
که من صورت به نامحرم کنم باز	برو این حرفها را دور انداز
چه لوطیها در این شهرند، واه واه	خدایا دور کن، الله‌الله
به من گویند که چادر واکن از سر	چه پرروی است این، الله‌اکبر
جهنم شو مگر من جنده باشم	که پیش غیر بی‌روبنده باشم
از این بازی همین بود آرزویت	که روی من بینی تف به رویت
الهی من نینم خیر شوهر	اگر رو واکنم بر غیر شوهر
برو گمشو عجب بی‌چشم و روی	چه رو داری که با من همچو گویی
برادر شوهر من آرزو داشت	که رویم را ببیند، شوم نگذاشت
من از زنهای طهرانی نباشم	از آنهایی که می‌دانی نباشم
برو این دام بر مرغ دگر نه	نصیحت را به مادر خواهرت ده

ترجمه:

The beauty was so upset by this speech
That up she jumped, and heatedly she screeched,
"Me, unveil illegally? That's taboo!
So take these words and blow them out the kazoo!
The rascals in this town, I do declare!

Al-LAH al-MIGHty, keep them very rare!
 Tell me to unveil—hardy har, and, HAR!
 The nerve! The brazenness! al-LAH akBAR!
 To hell with you! Am I some kind of whore,
 Who'd appear to the proscribed *sans chador*?
 The aim of this whole thing was my disgrace;
 I see it all now and spit in your face!
 Never would I've experienced husbandhood,
 Unless I had kept hidden to those I should.
 Get lost you good for nothing little skunk,
 How dare you feed me this kind of bunk.
 My brother-in-law wished to look,
 But even *him* my husband wouldn't brook.
 I'm not one of those Tehrani *belles*,
 Not one of those you seem to know so well.
 Don't try to trap this lovebird, find another;
 Save the advice for your sister and mother.

اما با وجود هنر و ظرافت طبع در ترجمه، گاهی هم به خطا رفته است. مثلاً در صفحات ۲۴-۲۵ «سلمانی بیچه» را در یکی از اشعار سوزنی سمرقندی به "barber's boy" برگردانده است. بنده نمی‌دانم که آیا این ترجمه به ضرورت شعری بوده است یا نه، اما چنان که خود فاضل گرامی در ص ۲۱ همین کتاب متذکر شده است، سوزنی از تبار سلمان فارسی صحابه رسول اکرم (ص) بود و این که خود را گهگاه در شعر «سلمانی بیچه» می‌خواند، اشاره به همین مطلب دارد. این موضوع را مرحوم استاد فروزانفر در صفحه ۳۱۵ از چاپ سوم سخن و سخنوران متذکر شده‌اند، رحمة الله علیه.

اشعار کتاب عموماً نه تنها به شعر انگلیسی ترجمه گردیده است، بلکه احیاناً موارد دشوار و عبارات و کنایات صعب آنها نیز در یادداشتهایی توضیح داده شده است. این یادداشتهای برای کسانی که در ادب فارسی تخصصی ندارند بسیار مفید و مغتنم است و بر ارزش کتاب می‌افزاید. البته به ندرت پاره‌ای توضیحات نادرست هم در بیانات عالمانه نویسنده محترم راد یافته است. مثلاً نام سنائی غزنوی که دکتر اسپراکمن بر حسب معروف «مجدود» نوشته‌اند، در واقع «حسن» است. این مطلب را هم مرحوم فروزانفر در سخن و سخنوران، ص ۲۵۴؛ و هم دکتر مهدی محقق در مقاله‌ای تحت عنوان «کهن نسخه‌ای از دیوان سنائی» که در سال ۱۳۴۱ در راهنمای کتاب چاپ شد (ج ۵، ص ۵۸۹-۵۸۶) یادآور شده‌اند.

تال هفتم

پراکمن

گلیسی،

با آن که

برخی از

اند شده

خر عهد

در شر و

بن رو که

سپراکمن

بار خوبی

برج میرزا

گفت

انداز

له‌الله

اکبر

باشم

بویت

شوهر

بگویی

داشت

نباشم

ت ده

The beau

That

"Me, un

So ta

The rasc,

گذشته از اشتباهات چاپی معدود، مانند: ص ۲۴، بیت ۷: راهانید (رهانید)، ص ۳۲، بیت ماقبل آخر: کرگردن (کرگدن)، ص ۴۷، بیت اول خیدر (حیدر)، ص ۹۵، سطر ۱۹۵: فاللوکته (فاکوکته)، متن کتاب بسیار منقح و پاکیزه چاپ شده است. شاید تنها ایراد اساسی که به این کتاب وارد است این باشد که دکتر اسپراکمن فهرست منابع مفصلی را که در نوشتن مقدمه عالمانه خود بر این کتاب از آنها سود جسته است در فهرست منابع کلی که در پایان کتاب آمده است ادغام نکرده‌اند. این موضوع، کار خوانندگانی را که بخواهند به این منابع رجوع کنند دشوار می‌کند.

علی ای حال کوشش دکتر اسپراکمن در جمع‌آوری این نمونه‌های شعر فارسی و ترجمه استادانه آنها مشکور است. بنده موفقیت روز افزون ایشان را در تحقیقات ادبی مسألت دارد.

دانشگاه کالیفرنیا، لوس‌آنجلس

سید محمد ترابی

Riccardo Zipoli
Un Giardino Nella Voce
 Persia 1972-1994
 Angelo Pontecorboli
 Florence, Italy

ریکاردو زیپولی

باغی در صدا

ایران ۱۳۵۱-۱۳۷۳

با اشعاری از سهراب سپهری

صفحات: ۲۲+۱۵۱+۲۳

به سراغ من اگر می‌آیید

نرم و آهسته بیایید، مبادا که ترک بردارد

چینی نازک تنهایی من

م.س.

ریکاردو زیپولی برای بسیاری از ایرانیان به‌ویژه کسانی که در علوم انسانی، زبان و ادبیات فارسی و ایران‌شناسی کار کرده‌اند یا به‌مناسبتی با ایتالیا و به‌خصوص ونیز ارتباط دارند نامی آشناست. وی در رم رشته عکاسی و فیلمبرداری و زبان و ادبیات فارسی را تحصیل کرد و در سال ۱۳۵۱ برای گذراندن دوره تخصصی زبان و ادبیات فارسی به‌دانشگاه تهران آمد و از سال ۱۳۵۴ به تدریس زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه ونیز